

## نوع‌شناسی و باز تعریف آسیب‌های اینترنتی و تغییرات هویتی در ایران

حمید عبداللهیان\*

این مقاله با ارائه دیدی اکتشافی - پژوهشی آسیب‌های اینترنتی را با استفاده از تجربه‌های کاربران محیط مجازی و همچنین با رجوع به معیارهای اجتماعی ایران مفهوم‌سازی می‌کند تا در نتیجه به تعریف جدیدی از آسیب اجتماعی - اینترنتی برسد. سپس مقاله سعی می‌کند تا براساس این تعریف انواع آسیب‌های اجتماعی نوین را براساس ارتباط و عدم ارتباط تجربی و مفهومی با سایت‌های اینترنتی دسته‌بندی و شناسایی شوند. در نهایت این مقاله تغییرات هویتی نسل‌های جدید ایران را به مثابه متغیر وابسته به تعدد مراجعه به دنیای مجازی مورد مطالعه نظری قرار خواهد داد تا یک مجموعه نظری قابل استفاده برای مطالعه آسیب‌های اینترنتی فراهم آید.

## مقدمه

این مقاله یک کوشش نظری - تجربی همزمان در دو حوزه ارتباطات و جامعه‌شناسی است. مقاله ابتدا با شرح کاربردهای متغیرهای سنتی در دو حوزه آسیب‌شناسی جامعه‌شناختی و حوزه ارتباطات اجتماعی، سنتی را که ادوین ساترلند<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۹ برای تبیین کجرو شدن بنا گذاشت (گایلورد و گالیهر ۱۹۸۸)<sup>۲</sup> پی می‌گیرد تا از یک سو نارسایی مفهومی - تجربی این‌گونه متغیرهای جامعه‌شناسی سنتی را در عملیاتی شدن برای پژوهش در دنیای اینترنت نشان دهد (لی آی شوئن)<sup>۳</sup> و از سوی دیگر، با انعکاس تجربه‌های پژوهشی از ایران و نمونه‌هایی از سایر کشورهایی که مسأله اینترنت برایشان مطرح است (برنز ۲۰۰۴)، نیاز به باز تعریف مفهوم کجروی به‌ویژه از منظر پیچیدگی در مفهوم‌سازی رابطه نهاد قدرت و کنترل کنش‌های کاربران اینترنتی را روشن‌تر سازد.

برای برآوردن چنین انتظاری، مقاله ابتدا تلاش نظری سنت جامعه‌شناختی از آسیب‌شناسی دورکیم و به‌خصوص ساترلند که در دهه ۱۹۴۰ میلادی بر فرضیه آسیب ارتباطاتی و شکل‌گیری روابط مجرمانه آغاز شد تا به امروز که کماکان از چنین سنتی پیروی کرده است، نقد نظری و روش‌شناسی می‌کند (نک. مفهوم سنتی فریب در پژوهش برنز و همکارانش ۲۰۰۴). سپس با آوردن مثال‌هایی از جهان مجازی و حوزه علم ارتباطات نوین نشان می‌دهد که کاهش قدرت نهادهای کنترل‌کننده (نظیر پلیس و دولت) به خاطر تغییر ماهیت کنش ارتباطی در جهان مجازی، ضرورت بازنگری در تعریف مفاهیم سنتی را حتی در سایر رشته‌ها، نظیر جرم‌شناسی و حقوق، ایجاد کرده است. در پایان استدلال خواهد شد که ساختار روش‌شناسی مطالعه در حوزه ارتباطات و آسیب‌های اینترنتی باید عوض شود تا نه تنها امکان پژوهش درباره آسیب‌های اینترنتی فراهم آید بلکه دسته‌بندی و زمینه‌های کنترل این آسیب‌ها توسط دولت‌ها و نهادهای سیاست‌گذار و افرادی که در محیط مجازی فعال هستند، فراهم آید.

1- Edwin Sutherland Goode (2004) همچین نگاه کنید به:

2- Gaylord, Mark S. and John F. Gallier

3- Lee Ai Schuen from World Enterprise Institute.

## نقد مفاهیم سنتی جامعه‌شناسی: نیازهای معرفتی ناشی از توسعه جهان مجازی

بر همین سیاق بحث را از اینجا شروع می‌کنیم که سنت جامعه‌شناسی، آسیب اجتماعی را در ارتباط با متغیر هم‌نواایی با هنجارهای جامعه و نسبت قدرت دولت با افراد تعریف می‌کند (نک. گیدنز ۱۳۷۶؛ اسپنس ۱۹۹۴)<sup>۱</sup>. دورکیم<sup>۲</sup> از اولین کسانی بود که جرم (یکی از نمادهای آسیب اجتماعی) را براساس رابطه میان هنجارها، نهادهای قانونی و کنش‌های مجرمان مفهوم‌سازی کرد (دورکیم ۱۳۶۲). او در این دستگاه مفهومی، جرم را براساس آنچه که جامعه جرم می‌داند و نه براساس ذات عمل مجرمانه تعریف کرد. دورکیم از این هم فراتر رفت و معتقد شد که جرم وجهی عام از همه جوامع انسانی است. برای او مجرمیت از سطح تبیین آسیب‌شناسانه هم مهم‌تر می‌شود و بیان می‌دارد که جرایم سبب ایجاد کار و نیز تثبیت ارزش‌های هنجاری می‌شوند. بنابراین، برای دستگاه نظری دورکیم وجود دولت و کنش‌های آن برای کنترل جرم با توجه به اهمیت بازتولید هنجارها قابل توجیه و پذیرفتنی است. بر همین اساس دورکیم منحرفان را به سه دسته به این شرح تقسیم کرد: ۱- منحرفان بیولوژیک، ۲- یاغیان کارکردی - چرا که شاخص‌های صحیح را به سیستم نشان می‌دهند و نقش دولت را ضروری جلوه می‌دهند و ۳- منحرفان بد تربیت شده در جامعه بیمار (دو نوع از این جوامع عبارت هستند از جامعه آنومیک و خود - مدار).

وجه بارز چنین رویکردی اهمیت بخشیدن به هنجارهای عام و مشروعیت اعمال بازدارنده نهادهای قدرت در جوامع است که نشان خواهیم داد این رویکرد اینک فاقد قدرت تبیین کنش‌ها در محیط اینترنت است؛ زیرا دخالت ذهن و افراد در تولید تصور از خود و معنای خود در خارج از محیط هنجارها و حیطه قدرت دولت صورت می‌گیرد و به همین دلیل نهاد قدرت خود رویکردی آسیب‌شناسانه (نه کنترل‌کننده آن‌طور که دستگاه نظری دورکیم انتظار دارد) نسبت به حقوق شهروندان نوین، یا بهتر آنکه بگوییم سایبروندان، پیدا کرده است (نک. میلر ۲۰۰۳). با

1- Spencer, Metta

www.SID.ir توضیح می‌دهد که دورکیم این نگرش را نسبت به کجروی در محدوده کنترل هنجارها تئوریزه می‌کند.

2- Durkheim (a) and (b).

این حال، روش دورکیم اگرچه توانایی پرداختن به محیط مجاری را ندارد، هنوز بخش واقعی کنش‌های ارتباطی را توجیه می‌کند و به همین دلیل در سنت جامعه‌شناسی معاصر کماکان باقی مانده است. سنت نظری دورکیم به همین دلیل قدرت پیشگویی خود را تا حدودی که به ربط میان نهاد قدرت و تعبیر کنش‌ها براساس معیارهای هنجاری و عام جامعه مربوط می‌شود، حفظ کرده است.

اما ساترلند در همین سنت جامعه‌شناسی و در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی، آسیب اجتماعی را به حوزه ارتباطات که مورد توجه ما در این مقاله است، وارد کرد. این نظر اینک منشأ تولید مناقشات دیگری در حوزه ارتباطات نوین شده و با مناقشات حاصل از مدل نظری دورکیم تفاوت ماهوی پیدا کرده است. طبق نظر ساترلند (۱۹۷۴: ۷۵-۷۶):

۱- رفتار کجروانه (یا جنایتکارانه) یادگرفتنی است.

۲- رفتار کجروانه در کنش متقابل با اشخاص دیگر و در یک پروسه ارتباطاتی فراگرفته می‌شود.

۳- بخش اصلی فراگیری رفتار کجروانه در درون گروه‌های صمیمی اتفاق می‌افتد.

۴- زمانی که رفتار کجروانه فراگرفته می‌شود، این فراگیری شامل: الف) فنون ارتکاب جرم و ب) جهت‌گیری ویژه انگیزش، غرایز، استدلال‌ها و نگرش‌ها می‌شود.

۵- جهت ویژه انگیزش‌ها و غرایز از طریق تعریف‌های فراگرفته می‌شود که نشانه‌های قانونی، یعنی چه چیزی مساعد و چه چیزی نامساعد است، ارائه می‌کنند.

۶- یک فرد به خاطر تفوق تعریف‌های مساعد در شکستن قانون بر تعاریف نامساعد در شکستن قانون کجرو می‌شود.

۷- وابستگی‌های افتراقی (تفاوت در ارتباطات) می‌تواند از لحاظ فراوانی، استمرار، اهمیت، و فشردگی تغییر کند.

۸- روند فراگیری رفتار کجروانه از طریق ارتباط با الگوهای کجروانه یا ضد کجروانه مستلزم دخالت همه مکانیسم‌هایی است که در هر نوع روند فراگیری دیگری نیز دخالت دارند.

۹- گرچه رفتار کجروانه انعکاسی از نیازها و ارزش‌های عام است، اما به وسیله این نیازها و

ارزش‌ها تبیین نمی‌شود؛ زیرا رفتار غیرکجروانه نیز انعکاسی از همان نیازها و ارزش‌ها است (نک. ویلیامز و مک شین<sup>۱</sup> ۱۹۹۸؛ مویر<sup>۲</sup> ۲۰۰۱).

در نکته شماره ۵ و ۶، ساترلند نیز همانند دورکیم نشان می‌دهد که اجتماع و نهادهای کنترل‌کننده مثل قانون در وقوع کنش‌های آسیب‌شناسانه و تعریف آن نقش اصلی را بازی می‌کنند. به همین دلیل پیشرفت‌های گفتمان نظارت و انضباط بعد از ساترلند و در حوزه جرم‌شناسی، نقش دولت و قدرت مرکزی را در کنترل رفتارهای کجروانه بیشتر کرد (هیویی ۲۰۰۲)<sup>۴</sup>؛ به طوری که میلر (۲۰۰۳: ۱۴۵) فرار از قدرت دولت را علت توسعه صنعت اینترنت تلقی می‌کند. از سوی دیگر، افرادی که این روزها به‌رغم تفاوت ماهوی کنش‌های کجروانه در محیط واقعی و مجازی، مسأله کجروی و جرم را با دید سنتی در محیط اینترنت می‌نگرند، کماکان نقش دولت را پررنگ می‌کنند. برای مثال، بیگر (۲۰۰۲) که در حوزه ملاحظات حسابداری و جرایم اینترنتی به مسأله سوءاستفاده از اینترنت می‌پردازد، با نشان دادن بین رشته‌ای شدن (نه تنها این مسأله جامعه‌شناختی است بلکه اقتصادی و حسابداری و... است) مسأله جرم در محیط اینترنت پیشنهاد می‌کند که باید نقش دولت در کنترل سوءاستفاده شرکت‌ها از محیط اینترنت افزایش یابد. برنز<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در تازه‌ترین پژوهش خود و همکارانش در دانشگاه مسیحی تگزاس همین نگرش بین رشته‌ای را در حوزه فریبکاری اینترنتی به کار گرفته است. از میان ۷۰۰ پرسشنامه‌ای که وی در میان افراد پلیس توزیع کرد، ۲۱۷ نفر پاسخ دادند که تأکید اکثر آنان بر دخالت نهاد قدرت برای کنترل آسیب‌ها در اینترنت است. در این تحقیق ۹۳ درصد از افراد پلیس اعلام کردند که قانون کنترل فریبکاری اینترنتی باید توسط دولت فدرال اعمال شود. به

1- McShane

2- Williams

3- E. Wilma van der Veen, Ph.D. Educator, activist, sociologist, 902-351-3183 [wwolfvan@yahoo.com](mailto:wwolfvan@yahoo.com), [husky1.stmary.ca/~evanderveen/wvdv](http://husky1.stmary.ca/~evanderveen/wvdv)

این منابع را در تماس با دکتر وندروین از آدرس بالا به دست آوردم که به این وسیله از ایشان تشکر می‌کنم.

4- Laura J. Huey

هیویی نشان می‌دهد که پلیس (به عنوان نماد دولت) با رویکرد سنتی خود به وقوع جرم در خارج از خانه، نمی‌تواند جرایم اینترنتی را کنترل کند.

5- Ronald G. Burns

بیان دیگر، بیشترین تأکید بر بزرگتر کردن نقش دولت فدرال (نه حتی دولت ایالتی و یا مقامات محلی) در کنترل این‌گونه آسیب‌ها گذاشته شد که در نوع خود جالب توجه است. از سوی دیگر، هیویی (۲۰۰۲) در انتقال تجربه عملکرد پلیس در ونکوور کانادا و برخلاف رویکردهای غیرعلوم اجتماعی معتقد است که:

برخی از مسائلی که در انجام کار پلیسی در محیط فضای رایانه‌ای دیده می‌شود در ماهیت مفهومی هستند و ناشی از زیست - بوم هستند<sup>۱</sup>: یعنی اینکه فرهنگ پلیس بر یک ایده ادراکی - حسی استوار است که به فهم کارکرد کنش پلیسی، که به تصور فیزیکی - جغرافیایی از آنچه که حوزه عمل پلیسی تلقی می‌شود، بستگی دارد. این در حالی است که فضای رایانه‌ای فضایی کاملاً متفاوت و انتزاعی است و فضایی نیست که استراتژی‌های معمول پلیسی در آن اجرا می‌شود.<sup>۲</sup>

حتی اگر هم جرایم را براساس معیارهای جهان واقعی، آن‌طور که بی‌نام (۲۰۰۱) نشان می‌دهد، مستحق کنترل بدانند، ابهام‌های متعددی مشهود می‌شود. اگرچه بی‌نام (همان) نشان می‌دهد که ۲۰۰ تا ۳۰۰ شکایت درباره سوءاستفاده‌های اینترنتی هر روز در آمریکا ارائه می‌شود و این‌که در سال ۲۰۰۱ نزدیک به ۵۰۰۰ نفر قربانی جرایم اینترنتی شدند، با این حال، او خود نیز آشکار می‌کند که اولاً ۶۴ درصد از این‌گونه جرایم مربوط به حراجی‌ها<sup>۳</sup> است و دوم این‌که ۷۳ درصد از قربانیان جنس مجرم و یا آدرس او را نمی‌دانند. این بی‌هویتی همان ویژگی است که جهان مجازی را از جهان واقعی مجزا می‌کنند و به‌طور تجربی نیز دیده می‌شود که نمی‌توان براساس تعاریف سنتی با این پدیده و گستره آن مقابله کرد. کلمن (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که در نیمه اول سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۸۰۰۰۰ حمله به مراجع کسب و کار در آمریکا صورت گرفت. با این حال، وی تصریح می‌کند که مبارزه با این حملات اینترنتی یکی از چالش‌آورترین جلوه‌های زندگی نوین در کره خاکی است.

اما آنچه در اینجا دانستنش اهمیت دارد، آن است که تعریف کجروی و در نتیجه جرم به‌طور

1- Habitus

2- C. Farnsworth 2002 (a) 2002 (b) همچنین نگاه کنید به:

3- Auction

ستتی از نسبت فرد و کنش‌های او با ضمانت‌های اجرایی رسمی و غیررسمی ریشه گرفته است و می‌گیرد و همان‌طور که هیویی نشان می‌دهد چنین تعریف‌هایی خود اعتبار لازم را در انتقال معنای آسیب اینترنتی و کنترل آن ندارد. دولت‌ها و دستگاه‌های بازرگانی که بیشترین ضررها را از ناحیه مداخله‌گران کامپیوتری<sup>۱</sup> متحمل می‌شوند، اکنون سرگردان هستند که بر مبنای کدام شاخص عینی این اشخاص را که در زندگی عادی کمترین آسیب را به نظام اجتماعی وارد می‌سازند، به مثابه مجرم در نظر بگیرند. برای مثال، میلر (۲۰۰۳: ۱۴۵) با تکیه بر نتایج پژوهشی خود می‌گوید که «حتی مداخله‌گران کامپیوتری با رغبت زیاد در همایش‌های اف.بی.آی<sup>۲</sup> درباره امنیت اینترنتی مشارکت می‌کنند و به دولت و دستگاه‌های تجاری کمک می‌کنند تا اشتباهات و نقاط ضعف سیستم‌های عامل آشکار شوند». در این جا است که نارسایی مفهوم آسیب اجتماعی در مدل نظری ساترلند و جامعه‌شناسان سنتی برای مطالعه آسیب‌های اینترنتی و ارزشیابی روش‌شناختی این مفهوم بهتر آشکار می‌شود. به‌ویژه در نکته ۱، ۲ و ۳ از طرح نظری ساترلند، که پیش از این ارائه شد، مفهوم ارتباطات به کنش متقابل حضوری و وقوع آن در میان گروه‌های همالان صمیمی تقلیل داده شده است. این در حالی است که در محیط مجازی که هم‌اکنون آسیب‌ها و جرایم در آن رخ می‌دهند، نه تنها حضور فیزیکی رخ نمی‌دهد، بلکه مکانیسم شکل‌گیری صمیمیت نیز از طریق تبادل تصویرهای خیالی از اعضای گروه و در نتیجه تعامل هویت‌ها و انعکاس عینی خود انجام می‌شود. بنابراین، معنای صمیمیت از طریق کنش متقابل به اعضا منتقل نمی‌شود و این به معنای آن است که فراگیری جرایم نمی‌تواند از طریق ارتباطات سنتی و با مکانیسمی که مورد نظر ساترلند است، صورت بگیرد.

با این حال، نباید از یاد برد که امتیاز نظریه ساترلند آن است که نقطه آغاز تحلیل روابط کجروانه را از شکستن هنجارهای زمانمند (هنجارهایی که تنها در یک زمان خاص از آنها پیروی می‌شود) اجتماع برداشته است و بر تفاوت کنش‌های ارتباطی فرد و گروه اجتماعی معطوف می‌کند (پفول ۱۹۹۴: ۳۰۲)<sup>۳</sup>. اگرچه، ساترلند مبنای تحلیل کجروی را بر نسبت فرد و گروه

1- Hackers

2- FBI (Federal Bureau of Investigation)

3- Stephen Pfohl

می‌گذارد ولی فقدان عنصر زمان در آن و تأکید بر عنصر ارتباطات، قدرت پیشگویی نظریه در رخداد رفتار کجروانه را حتی تا به امروز دوام داده است و می‌دهد. البته، تعریف او از ارتباطات که آن را براساس تعامل فرد در گروه و با معیارهای مبتنی بر انتقال نمادهای ارتباطی چهره به چهره میان اعضای گروه ارائه می‌کند، با آنچه امروز در جهان مجازی و با انتقال نمادهای متعدد و چند معنایی و بدون وقوع تعامل حضوری صورت می‌گیرد، متفاوت است. چنان‌که خواهیم دید همین نقص در تمایز رفتار هنجارمند و نابهنجار و اختلاط و ابهام میان:

- ۱- آنچه که در محیط مجازی هنجار است و در محیط واقعی نابهنجار تلقی می‌شود - نظیر از دست دادن درک شهروندی (جایگزینی اش با سایبروندی<sup>۱</sup>) و رعایت نکردن هنجارهای شهروند به سبب عدم فراگیری آنها در محیط واقعی (نک. به میلر ۲۰۰۳)،
- ۲- و تفاوت میان آنچه که فرد در نظام ذهنی خویش هنجار تلقی می‌کند و آنچه که نظام قانونی هنجار می‌داند سبب شده است تا این ابهام مفهومی در محیط اینترنت مبنای بازنگری مقوله آسیب اجتماعی در این مقاله قرار گیرد. عاملی<sup>۲</sup> (۲۰۰۳: ۲۲) این تفاوت را در آسیبی توضیح می‌دهد که سایبروندان در اثر فقدان به رسمیت شناخته شدن تحمل می‌کنند.

### ابهام معنای آسیب‌ها و هنجارها در تعامل دو جهان

از سوی دیگر، باید توجه خود را به متغیر میزان سیر افراد در جهان مجازی معطوف کنیم؛ زیرا همان‌طور که عاملی (۱۳۸۲) می‌گوید جهان مجازی نظام ادراکی افراد را که زندگی روزمره خود را براساس آن تنظیم می‌کنند، در حال فروپاشی قرار داده است.<sup>۳</sup> در این جهان که شاخص آن تقویت حوزه خصوصی است، نظام‌های هنجارهای اجتماعی معنایی ندارند و فرد با توجه به

۱- مفهوم سایبروند را من از بحث عاملی و میلر ابداع کردم تا نشان دهم که سایبروند کسی است که تحت تأثیر جهان مجازی است و بیشتر از هنجارهای آن پیروی می‌کند تا از هنجارهای شهروندی.

2- Ameli, Saied Reza

۳- عاملی (۱۳۸۳: ۱-۸۵) همین منطق را در شرح جریان جهانی شدن به‌طور مبسوط شرح می‌دهد و نشان می‌دهد که تبیین امور اجتماعی جوامع دیگر با به‌کارگیری دیدگاه‌های سنتی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی امکان‌پذیر نیست.



فراگرفته‌های پداگوژیک (انتقال معنا از طریق آموزش) کنش‌های اجتماعی خویش را هر لحظه با توجه به معیارهای ذهنی و نه عینیت هنجار - مدار مدرنیسم<sup>۱</sup> بازسازی می‌کند.<sup>۲</sup> چنین شرایطی بیشتر ناظر بر این ادعا است که در اساس، نظام ساختاری روابط اجتماعی که فرد در آن از ارتکاب جرم یا انعکاس آسیب اجتماعی برحذر می‌شود، موجود نیست. در نتیجه، نظام نظری ساترلند هم که ریشه در پذیرش این نظام ساختاری دارد، خود کفایت نظری لازم را برای پاسخگویی به علل وقوع جرایم در شرایط جهان مجازی ندارد (نیز نک. شوئن). بنابراین، برای سنت نظری ساترلند که در آن تفاوت در ارتباطات مبنای شکل‌گیری رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد، این روزها میدان اجتماعی عینی موجود نیست که در دوران سلطه نظریه ساترلند تفاوت در ارتباطات در آن میدان رخ می‌داد. از این منظر، نه مفهوم آسیب که با حضور فیزیکی و جغرافیایی شخص قابل تعریف مفهومی است، کاربرد دارد و نه فرد در میدان ارتباطات عینی قرار می‌گیرد که رفتار مجرمانه را فراگیرد یا تجربه کند.

فوکو نیز ما را به جنبه دیگری از نقص نظری هنجار - مداری نظریه‌های آسیب‌شناسی جامعه‌شناختی راهنمایی می‌کند (فوکو<sup>۳</sup> ۱۹۷۹، ۱۹۹۱). شرایط شکل‌گیری نهاد زندان و نهادهایی که آسیب‌ها را کنترل می‌کنند در ادبیات فوکو به ربط میان اجتماع، نهاد قدرت و جنبش اصلاح‌گری دولت بازمی‌گردد، آن‌چنان که جامعه با پیش‌فرض مشروعیت اقدام‌های اصلاح‌گری دولت اغوای عقلانیت سیاسی می‌شود و هرگز برای برچیدن نظام اصلاح‌گری اقدام نمی‌کند؛ زیرا

---

۱- باید توجه داشت که عینیت هنجار - مدار مدرنیستی که در دوره مدرن (و حتی هنوز) جهان علم را تحت تأثیر خود دارد، به اعتقاداتی مربوط می‌شود که به همه چیز تنها در صورتی ماهیتی عینی نسبت می‌داد که در خارج از قوه ذهن قابل تشخیص باشند. ذهن در این‌گونه برداشت تنها نقش کشف‌کننده امر عینی را بر عهده داشت. چنین اعتقاداتی دخالت ذهن را در تفسیر اشیاء برحذر می‌کرد. در حوزه علم اجتماعی نیز هنجارهای عام مبنای تفسیر رفتار و کنش‌ها قرار می‌گرفتند. هنجار، در چنین دستگاهی به ویژگی‌های عام اجتماعی مربوط می‌شد که همه به آنها آگاهی داشتند و از آنها پیروی می‌کردند و عدم پیروی از آنها کجروی و یا حتی جرم تلقی می‌شد.

۲- نگاه کنید به مقاله آن لاین (برخط) با عنوان *How the Internet Impacts the Lives of Its Users* در <file:///Internet/Behavioral/Impacts...> آدرس زیر:

3- Foucault

www.SID.ir

کتاب *مراقبت و تنبیه* او به فارسی ترجمه و چاپ چهارم آن در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.

جامعه فرض می‌کند که آنچه نهاد قدرت برای کنترل آسیب‌ها انجام می‌دهد برای برچیدن بدی از جامعه است و تصور نمی‌کند که رفتار نهاد قدرت در کنترل آسیب‌ها ممکن است خود دچار آسیب باشد. اما، این در حالی است که آزادی بی‌حد و حصر در محیط اینترنت امکان دخالت دولت و نهاد قدرت را در نهادهای سازی عقلانیت سیاسی در میان کاربران اینترنتی به حداقل رسانده است (نک. آی‌کاک)¹. گذشته از این، قدرت سیر همزمان کاربران اینترنتی در مرزهای درونی و بین‌المللی تداخل وظایف دولت‌ها را سبب شده است و مفهوم سنتی دولت را که با مرزهای جغرافیایی هویت می‌یافت، نیز دچار ابهام کارکردی کرده است (مویترا² ۲۰۰۴؛ میلر ۲۰۰۳: ۱۴۵). به تازگی نقش شرکت گوگل³ در ذخیره‌سازی و ایجاد امکان تجسس در امور افراد مورد سؤال قرار گرفته و پژوهش‌هایی در همین زمینه صورت گرفته است که نشان می‌دهد این شرکت تنها به منظور خدمت‌رسانی تاسیس نشده و کنترل زندگی افراد ولو در مرزهای خارج از آمریکا را نیز مدنظر قرار داده است. به بیان دیگر، جرایم دولتمردان آمریکایی از طریق نفوذ به زندگی خصوصی افراد اکنون از طریق شرکت گوگل و شرکت‌های مشابه بدون آن‌که مورد اتهام واقع شوند، صورت می‌پذیرد.

گذشته از این، کاربران در محیط اینترنت هویتی از خود می‌سازند که مستقل از ویژگی‌های جسمی آنان است (شوئن). در این شرایط، یافتن خاطی به منظور طبقه‌بندی آسیب او و رابطینش و اجرای انضباط برای او بر ابهام کارکرد دولت‌ها افزوده است. اما از سویی چنین آزادی در محیط اینترنت خیال فوکو را از بابت بازتولید نظام اصلاح‌گری آسوده کرده است (نک. ادبیات نظری فوکو ۱۹۷۹، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱)؛ زیرا در محیط مجازی ارائه تعریف‌ها برای امر خوب یا بد از مجرای آزاد کنش متقابل ذهنی میان کاربران ناآشنا صورت می‌گیرد و نهاد قدرت سهمی کوچک یا برابر با دیگران در ارائه تعریف امر خوب یا بد دارد. این به معنای آن است که عنصر و یا عمل کنترل به فراخور فروپاشی رابطه میان نهاد قدرت و سوژه‌های اجتماعی سست شده و این خود امکان افزایش فردیت‌ها را فراهم آورده است و کل‌گرایی و تفکر ساختاری در فهم جوامع معاصر

1- Aycock

2- Moitra

3- Google

را بی‌اعتبار کرده است.

تغییر حوزه مداخله دو متغیر سن و جنس در تغییرات اجتماعی معاصر نیز در برملاسازی نقایص نظری مفهوم آسیب اجتماعی در سنت جامعه‌شناسی نقش به‌سزایی دارند (نک. تیندل<sup>۱</sup> ۲۰۰۱). در پژوهشی درباره ایده‌آل‌های زنان و مردان ایرانی به این نتیجه دست یافته‌ام که ۶۰ درصد از جمعیت شش میلیونی استفاده‌کنندگان از اینترنت در ایران را مردان و ۴۰ درصد بقیه را زنان تشکیل می‌دهند که اغلب جوان و مجرد هستند (عبداللهیان ۱۳۸۳). میلر (۲۰۰۳): ۱۴۵-۱۴۸) و شوئن نیز نشان می‌دهند که اینترنت زندگی جدیدی است که تنها افراد کم‌سن در آن گذران حیات می‌کنند. در گزارش آثار رفتاری<sup>۲</sup> نیز آمده است که ۴۰ درصد از استفاده‌کنندگان از اینترنت خود به تأثیر زندگی در فضای اینترنت بر حیات اجتماعی‌شان اذعان داشته‌اند، اگرچه ۲۹ درصد از آنان این تأثیر را مثبت قلمداد می‌کنند. با این حال، برایان کوین (۲۰۰۱)<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که این رفتارها لزوماً مثبت نیست و در این دایره پزشکی در حال بررسی و ارزیابی روانشناختی و آسیب‌شناختی است. بنابراین، سه متغیر سن، جنس و میزان سیر در جهان مجازی سبب شده است که جرایم اینترنتی عموماً به جمعیت جوانی نسبت داده شود که در حال ساخت عناصر این جهان هستند و گزارش آثار رفتاری تأیید می‌کند که این جوانان به‌طور عمده بهای ساخت این جهان را با از دست دادن تعادل روانی خود در جهان واقعی یا با معیارهای جهان واقعی می‌پردازند. بنابراین، به‌طور منطقی به‌کارگیری تنها سه متغیر برای تشخیص این جرایم یا مجرمیت این خطر را داشته است که در برخی از جوامع (از جمله ایران) ارتباط ۹۰ درصد از اعضای جامعه با ده درصد بقیه که در جهان مجازی زندگی می‌کنند - برای ارتکاب جرایم اینترنتی که به‌صورت تعرض به آنان نیز منعکس می‌شود - نادیده گرفته شود<sup>۴</sup> و تنها جوانانی برچسب آسیب‌شناختی دریافت کنند که در این محیط زندگی می‌کنند. این در حالی است که

1- Tindle

2- Behavioral Impacts

3- Quinn, Brian

۴- میلر (۲۰۰۳: ۱۴۶) معتقد است که ۵۵ درصد از جمعیت ۳۰۰ میلیونی آمریکا در سال ۲۰۰۰ به اینترنت دسترسی داشته است، و این نشان می‌دهد تعرض به حقوق آنان بسیار شایع‌تر از کشورهایی است که تنها ۱۰ درصد همین دسترسی را دارند.

محدودسازی مفهوم آسیب اینترنتی به این ترتیب، محدودیتی در دستگاه نظری ایجاد می‌کند که باید از درون مفاهیمش گستره شایسته‌ای برای پرداختن به همه ابعاد آسیب‌ها معلوم کند. این نقص نظری دستیابی به معرفت درباره آسیب‌های اینترنتی مانع از آن می‌شود که از نظر تجربی نیز گسترش یابد. تجربه‌هایی که در نوع‌شناسی آسیب‌های اینترنتی در زیر مرور می‌کنیم، نمونه‌ای از این‌گونه محدودیت‌ها و پیامدهای تجربی آنها است.

### ارزیابی کفایت نظری و روش‌شناسی نوع‌شناسی آسیب‌های اینترنتی

بن‌بست نظری مطالعات آسیب‌شناختی در محیط اینترنت تا آنجا پیش رفته است که خاورب مونتس (۲۰۰۳)<sup>۱</sup>، بی‌نام (۲۰۰۱)<sup>۲</sup>، بازرمن (۲۰۰۳)<sup>۳</sup> و به‌ویژه شوئن برای دسته‌بندی آسیب‌های اینترنتی به‌طور عمده به آسیب‌هایی نظیر دسته‌بندی زیر بسنده کرده‌اند:

- ۱- سرقت اطلاعات،
- ۲- استفاده اختلاس‌آمیز از اطلاعات،
- ۳- و آنچه که در قالب قانون به مثابه کجروی تلقی شده است، نظیر ایجاد ویروس‌ها، که سه نوع زیر از زیرمجموعه‌های آن هستند،
- ۴- ورود غیرمجاز به پایانه دیگران،<sup>۴</sup>
- ۵- انتشار مطالبی که نفرت را گسترش می‌دهند،
- ۶- و انتشار اطلاعات مخرب در کنار استفاده از تصاویر خلاف اخلاق زنان و به‌خصوص کودکان (باید اضافه شود که این دسته‌بندی را در زمره عناصر آسیب‌شناختی در محیط اینترنت به مثابه نوع‌شناسی آسیب‌های اینترنتی معرفی می‌کنند)،
- ۷- فعالیت‌های خرابکارانه (تروریستی و ضدامنیتی) و
- ۸- البته تیندل هم به قماربازی و سوءاستفاده از محیط اینترنت به عنوان نوع دیگری از این دسته از آسیب‌ها اشاره می‌کند.<sup>۵</sup>

1- Montes, Javier

2- Anonymous

3- Bauserman

4- hacking

5- Tindle, Elizabeth

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت آن است که بخش مهمی از آسیب‌ها هنوز دچار ابهام نظری و نقص در ارائه تعریفی روشن از آنها هستند و برخی از آنها نمادهایی از تغییرات اجتماعی - فرهنگی در جوامع جدید، و نه آسیب اجتماعی، تلقی می‌شوند. مونتس (۲۰۰۳) نیز ضمن تایید این ابهام می‌نویسد از آنجا که نسل جدیدی از مجرمان در تکنولوژی دیجیتال پدیدار شده‌اند که دولت‌ها، بنگاه‌های تجاری و افراد را در معرض جرایم اینترنتی قرار داده است، در ژوئن ۲۰۰۳ متخصصانی از ایالت‌های مختلف آمریکا گردهم آمدند تا استراتژی‌های لازم را به منظور مقابله بهتر با جرایم اینترنتی در نیمکره شمالی اتخاذ کنند. سه نکته مهم در بحث مونتس وجود دارد که برای ما اهمیت نظری دارد: ۱- اشاره به ابهام در تشخیص جرایم از لحاظ عدم تطابق آنها با تعاریف سنتی و بنابراین ابهام در تعریف آنها، ۲- بین‌المللی دانستن یا بین‌المللی شدن جرایم و ۳- تازه و جدید بودن این جرایم در ادبیات حقوقی و قضایی ملل.

در اینجا است که جدید بودن این پدیده و فرامی‌بودن آن نشان می‌دهد که می‌باید برای حل بحران مفهومی و نظری و روش‌شناختی میان الف - جهان مجازی اینترنتی، ب - تغییرات اجتماعی معاصر که حاصل جهان مجازی و تولیدکننده افق‌های جدید توسعه آن است و ج - هویت‌سازی در محیط اینترنت رابطه منطقی برقرار کرد تا هم نقایص نظری بالا مرتفع شوند و هم فهم تغییرات اجتماعی امکان‌پذیر شود. بدیهی است، فهم تغییرات اجتماعی به منظور تمایز آنها با آسیب‌ها و جرایم ضروری است؛ زیرا آنها را نباید با آسیب‌ها و جرایم همسان تلقی کرد. نکته دیگر آن‌که، وابستگی به تعاریف سنتی از آسیب‌شناسی چنین قابلیت‌هایی را فراهم نمی‌کند و به همین دلیل دولت‌ها و نهادهای پلیسی اغلب میان مجرمان از یک‌سو و کاربرانی که کجرو نیستند ولی الگوی کنش‌های آنان با الگوی کنش‌های افراد عادی در محیط واقعی یکسان نیست، از سوی دیگر، تفاوتی قابل نیستند؛ زیرا معیار تشخیص روشنی در دست ندارند تا بتوانند این دو گروه را از هم جدا کنند.

بر این اساس، مبنای موقتی و آزمایشی برای نوع‌شناسی آسیب‌های اینترنتی را باید ابتدا بر تفکیک میان جهان مجازی و جهان واقعی و رابط آنها یعنی تکنولوژی مخابراتی و ارتباطاتی و براساس تأمل در دو نکته زیر قرار داد:

۱- در تعامل میان این دو جهان فرهنگ‌پذیری دیجیتالی رخ می‌دهد که حاصل آن رشد شخصیت‌هایی است که آشنایی با هنجارهای اجتماعی را از جهان مجازی و براساس ارزش‌های نازیسته<sup>۱</sup> فرا می‌گیرند (نک. تیندل ۲۰۰۱). این‌گونه فرهنگ‌پذیری فرجه آزادی عمل را برای کاربران تا آنجا افزایش می‌دهد که فرد پیوند میان جهان واقعی و مجازی را به دلیل فقدان ارتباطش در نظام کنش‌های متقابل با گروه‌های واقعی از دست می‌دهد و خود به بازتعریف هنجارها از معبر ارزش‌های گروه‌های همالان اینترنتی می‌پردازد. در چنین شرایطی آسیب‌ها و کنش‌های اینترنتی خطرآفرین، بازتعریف می‌شوند و از طریق سایر کاربران حتی شایسته‌پاداش قلمداد خواهند شد و به این ترتیب کنش آسیب‌شناسانه را در کاربران نهادینه و درونی می‌کنند.

۲- مکانیسم جامعه‌پذیری در دنیای واقعی و ارتباط آن با هویت‌پذیری اینترنتی که در جریان فرهنگ‌پذیری توضیح دادیم، شرایط تعریف و تمایز کنش آسیب‌شناسانه و غیرآسیب‌شناسانه را برای کاربران بیش از پیش مشکل کرده است. در این شرایط شناسایی کنش آسیب‌شناسانه به زمان خروج از فضای مجازی و ورود مجدد به آن بستگی پیدا کرده است. مردم، گروه‌ها و دولت‌ها به غلط رفتار هنجارمند فضای مجازی را آسیب اجتماعی تلقی می‌کنند (تیندل ۲۰۰۱؛ کوئین ۲۰۰۱). چنین عدم تطابقی کاربران را هرچه بیشتر به زندگی در جهان مجازی سوق می‌دهد؛ یعنی جایی که گزارش آثار رفتاری تصریح کرده است که زندگی کردن در آن از سوی کاربران روز به روز لذت‌بخش‌تر جلوه می‌کند.

اما آخرین مطلبی که باید گفت این است که چنین فرآیندی در ایران نیز اجتناب‌ناپذیر شده است؛ زیرا تعداد کاربران کامپیوترهای شخصی که در سال ۱۳۶۵ شاید به دویست نفر هم نمی‌رسید، در سال ۱۳۷۰ به ۱۰۰۰۰ و در حال حاضر به حدود هفت میلیون رسیده است. نیز، آخرین تخمین‌ها تایید می‌کنند که حدود شش میلیون کاربر اینترنتی در ایران فضای مجازی را تجربه می‌کنند. مهم‌ترین تأثیر این توسعه زندگی دیجیتالی در ایران تغییر نظام شکل‌گیری هویت فردی و جمعی کاربران است که در نبود نظام مدون رسمی و غیررسمی مقوله‌بندی کنش‌های

آسیبی، کاربران را بیشتر از کاربران آمریکایی یا اروپایی در معرض تعرض‌های فردی و اجتماعی قرار خواهد داد. در این شرایط، شاید کنش‌های آسیبی در نسبت میان کهنگی قوانین ایران و تغییرات هویتی کاربران از طرف سیاست‌گزاران و یا مجاری رسمی تعریف شوند. در این صورت، قوانین رسمی و مردمی یا عرفی که به زندگی دیجیتال نگاه تعرض‌آمیز دارند، به مثابه کنش‌های آسیبی قابل تعریف هستند. از این رو، امکان ارزیابی و کنترل آنها را هرچه بیشتر کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، انواع جرایم اینترنتی در ایران با انواع جرایم اینترنتی در آمریکا و کشورهای غربی کاملاً متفاوت شده است. محدودیت فرجه آزادی عمل اجتماعی و طرد اجتماعی جوانان در محیط‌هایی نظیر مدارس و دبیرستان‌ها که به‌طور سنتی کنش‌های متقابل در آن صورت می‌گرفت، مهم‌ترین علل روی آوردن به جهان مجازی است. در این جهان، همان نیازهایی برآورده می‌شوند که در جهان واقعی کجروی، جرم و آسیب اجتماعی تلقی شده‌اند.

### توسعه نوع‌شناسی آسیب‌شناسی: تعامل مفهومی میان دو جهان

براساس این مدل نظری که بر مفاهیم و متغیرهای میزان کهنگی نظام حقوقی (ابهام در تعریف شهروند معاصر)، میزان تغییرات اجتماعی (شکاف میان نسل‌ها از نظر آشنایی با جهان مجازی و پذیرش الگوی رفتاری ملهم از آن و مبدل شدن به سایبروند)، تأثیر شاخص‌های عرفی بر تعریف آسیب اجتماعی، سن کاربران و جنس آنان استوار است، انواع آسیب‌های اجتماعی در محیط مجازی می‌تواند براساس سه گروه زیر تقسیم شوند:

۱- سوءاستفاده از این محیط برای کسب منافع فردی و گروهی. بدیهی است، تعریف سوءاستفاده براساس کدهای نظام حقوقی، عرفی و هنجاری انجام می‌شود. البته، همه این سوءاستفاده‌ها به تنبیه و انضباط منتهی نمی‌شوند؛ اما هدف در اینجا تعیین حد قضایی کنش‌های آسیب‌شناسانه نیست، بلکه شناسایی و دسته‌بندی آنها است.

۲- سوء رفتار روانی فردی و جمعی که حاصل آن تخریب ارزش‌های نرمال جهان واقعی و از هم پاشیدگی رفتاری در فرآیند اجتماعی شدن است.

۳- سوء رفتار با کاربران جهان مجازی براساس معیارهای حقوقی جهان واقعی و عرفی.

مسأله اصلی این بحث در تشخیص انواع رفتارهای آسیب‌شناسانه‌ای است که در این نوع سوم رخ می‌دهند و تاکنون نادیده گرفته شده‌اند.

به انواع ۱ و ۲ آسیب‌های اینترنتی بیش از این دیگر آسیب‌ها اشاره کرده‌اند. به تازگی سایت اینترنت و آسیب‌شناسی<sup>۱</sup> آخرین برداشت‌ها را در حوزه جرم‌شناسی (در تعریف جرم فریب از دسته اول از نوع‌شناسی آسیب‌ها) ارائه می‌کند. این سایت فریب‌کاری اینترنتی را چنین تعریف می‌کند: «این واژه در کل به هر نوع برنامه فریب‌کارانه اشاره دارد که یک یا چند جزء از اجزاء اینترنت نظیر: اطاق‌های گفتگو، ایمیل، تابلوهای پیام، یا وب‌سایت‌ها را به کار می‌برد تا درخواست‌های فریب‌کارانه را به قربانیان مورد انتظار ارائه کند، یا معاملات فریب‌کارانه را هدایت کند و یا نتایج فریب را به مؤسسات مالی و یا به افرادی که با این برنامه مرتبط هستند، انتقال دهد».

واضح است که چنین برداشتی هنوز متأثر از روابط قدرت و اقتصاد سیاسی است که از نظام آسیب‌های اینترنتی بسیار فاصله دارد؛ زیرا حقوق شهروندی را بر حقوق سایبروندی ارجح می‌کند و کماکان مسیر را برای تعرض به سایبروندها باز می‌گذارد. شایستگی مدل نظری ارائه شده در اینجا، بنابراین، به نوع سوم آسیب‌های اینترنتی مربوط است؛ یعنی جایی که کاربران براساس نسبتشان با جهان مجازی مورد تعرض واقع می‌شوند. به عبارت دیگر، سایر مدل‌ها تنها از مدل هنجار - مدار (سنت‌ها و عرف مبنای تشخیص آسیب اجتماعی قرار می‌گیرد) و قدرت - مدار (نهاد قدرت و ضمانت‌های رسمی و غیررسمی مبنای تعریف آسیب اجتماعی قرار می‌گیرد) برای دسته‌بندی آسیب‌های اینترنتی استفاده می‌کنند. در حالی که، بخش دیگری از آسیب‌ها به نحوه تعبیر جهان مجازی مربوط است که تاکنون مورد غفلت واقع شده است. این دسته از آسیب‌ها به تعرض‌هایی مربوط می‌شود که آزادی‌های فردی کاربران و تعبیر آنان را از امر واقعی و تولید تصویرهای ذهنی از اموری که بیرونی تلقی می‌شوند، در جهان مجازی نادیده می‌گیرند. حتی در نظام‌های حقوقی پیچیده نظیر آمریکا هم فراهم کردن زمینه وقوع کجروی در جهان واقعی، مسؤولیت رخداد کنش کجروانه را اغلب زمانی برعهده فرد کجرو می‌گذارد که



قصد کنش کجروانه و پیامدهای آن فراتر از بستر ایجاد شده برود (مثل زمانی که ابزار فراهم شده برای سرقت آماده باشد اما برای قتل به کار رود). در حالی که، افراد فراوانی از درون حوزه حقوق شهروندی (نه تنها سایبروندی) بیرون آورده می‌شوند و مورد آزار قرار می‌گیرند. چنین تفکری سبب شده است که اکنون دولت آمریکا و برخی از دولت‌های دیگر نیز تجسس و کنترل کاربران اینترنتی را امری توجیه‌پذیر و قانونی تلقی کنند. به عبارت دیگر، حتی با معیارهای حقوق شهروندی جهان واقعی که خود این جوامع زمانی آن را ابداع کردند، چنین برخوردهایی آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که کمبودهای عناصر معرفتی در علوم اجتماعی سنتی به‌طور اعم و جامعه‌شناسی به‌طور اخص، همان‌طور که نشان دادیم، امکان پرداختن به واقعیت آسیب‌های اجتماعی را در شرایط دو جهانی شدن‌ها فراهم نمی‌کند. آنچه در اینجا ارائه شد تلاشی است که ابهام در تفسیر کنش‌ها در جهان معاصر را در حوزه نوع‌شناسی آسیب‌ها بیشتر آشکار می‌کند. اما، در حال حاضر چاره در این است که از مدل کوهن برای روشن کردن این امر استفاده کنیم که دستگاه‌های نظری موجود با کمبودهای مفهومی معتناهی مواجه هستند و نیاز به این است که قضایای دیگری ابداع شوند. به چند نمونه از این قضایا در اینجا اشاره شد، از جمله این‌که کنش‌ها مسأله مشترک جامعه‌شناسی و ارتباطات هستند. دوم، جهان مجازی به همان اندازه در تفسیر کنش‌ها نقش دارد که جهان واقعی. سوم، تفکیک کنش‌ها در دو جهان مبنای تعبیر نابجای کنش‌ها به مثابه کنش‌های کجروانه و آسیب‌شناسانه است. سرانجام، نمی‌توان حضور نهاد قدرت را در ایجاد آسیب اینترنتی نادیده گرفت. در پرتو این تلاش نظری - تجربی نشان دادیم که چنان‌چه اصلاحاتی در نحوه دخالت متغیرها در تفسیر کنش‌ها انجام شود، نه تنها امکان شناخت ماهیت کنش‌های آسیب‌شناسانه اینترنتی فراهم می‌آید، بلکه کنترل آنها چه در جهان مجازی و چه در جهان واقعی امکان‌پذیر می‌شود. روشی که برای فهم کنش‌ها مناسب به نظر می‌آید، مصاحبه‌های عمقی است که هدف از آن پیدا کردن زمینه‌های نزدیکی میان فهم دو جهان است.

## منابع

- دورکیم، امیل (۱۳۶۲). *قوائد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۳). «جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها»، در فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون، ش ۲۴، تابستان ۱۳۸۳، صص ۱ تا ۵۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب»، در *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۱، مهر ۱۳۸۲، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳). *مطالعه شکاف میان ایده‌آل‌های دو جنس*، تهران: طرح پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- فوکو، میشل (۱۳۸۲). *مراقبت و تنبیه*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین پسندیده، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Ameli, Saied Reza (2003). "Global Space: Power And Powerlessness of Cultures", In *Revista de Retorica y Teoria de la Communication* (Logo), Desember, pp.17-29.
- Anonymous (2001). "Fastest Crime Growth Occurs in Cyberspace", in *Crime Control Digest*, May, Vol.35, Iss.21, p.3.
- Aycock, Alan (No date). "Technologies of the Self: Foucault and Internet Discourse", Department of Anthropology, University of Wisconsin-Milwaukee. See details in the following site: <http://www.ascusc.org/jcmc/voll/issue2/aycock.html#notel>.
- Baker, C.R. (2002). "Crime, Fraud and Deceit on the Internet: Is There Hyper reality in Cyberspace?" *Critical Perspectives on Accounting*, 13, pp.1-15.
- Bauserman, Robert (2003). "Child Pornography Online: Myth, Fact, and Social Control", in the *Journal of Sex Research: May*, Vol.40, Iss.2, pp.219.

- 
- Burns, Ronald G. and Keith H. Whitworth and Carol Y. Thompson (2004). "Assessing Law Enforcement Preparedness To Address Internet Fraud", in *Journal of Criminal Justice*, September-October, Vol.32, Iss.5, pp.477-493.
  - Coleman, Kevin (2003). "Cyber Terrorism", in *Directions Magazine*, University of London, Distance Learning.
  - Durkheim, Emile (No date). "Durkheim on Deviant", See the following Anonymous internet site: [http://www.homestead.com/rouncefield/files/a\\_soc\\_dev\\_13.htm](http://www.homestead.com/rouncefield/files/a_soc_dev_13.htm).
  - Durkheim, Emile (No date). "Durkheim II", See the following Anonymous Internet site: [http://www.chss.montclair.edu/~hadisb/Outline\\_DurkheimII.htm](http://www.chss.montclair.edu/~hadisb/Outline_DurkheimII.htm).
  - Farnsworth, C. and Kelleher, J. (2002). "Sheriff Rejects Internet Probe", in *The Orange County Register*, p.1.
  - Farnsworth, C. and Knap, C. (2002). "Net Fraud is Tangled Web for Victims and Police", in *The Orange County Register*, p.1
  - Foucault, Michel (1991). "Governmentality". In G. Burchell; C. Gordon, and P. Miller (Eds.), *The Foucault effect, studies in governmentality*, pp.87-104. London: Harvester.
  - Foucault, Michel (1990), "The Use of Pleasure", In *The History of Sexuality*, Vol.2, New York: Random House.
  - Foucault, Michel (1979). *Discipline and Punish*, Harmondsworth: Penguin.
  - Gaylord, Mark S. and John F. Galliher (1988). *The Criminology of Edwin Sutherland*, New Brunswick, NJ: Transaction.
  - Goode, Erich (2004). *Deviant Behavior*, Englewood Cliffs (NJ): Prentice Hall.
  - Huey, Laura J. (2002). "Policing the abstract: Some observations on policing cyberspace", in *Canadian Journal of Criminology*, Ottawa, Jul 2002, Vol.44, Iss.3, pp.243-255.

- Miller, Tody (2003). "Internet: Introduction to Part IV", in Justin Lewis and Tody Miller, *Critical Cultural Policy Studies A Reader*, Malden: Blackwell Publishing, pp.145-148.

- Moitra, Somyou D. and Suresh L. Konda (2004). "Empirical Investigation of Network Attacks on Computer Systems", in *Computers & Security*, 23, pp43-51.

- Montes, Javier (2003). "Confronting Cyber-Crime, in Americas (English Version)", Washington, Sep/Oct, Vol.55, Iss.5, P.53.

- Moyer, Imogene L. (2001). *Criminological Theories: Traditional and Nontraditional Voices and Themes*, Thousand Oaks: Sage Publications, California.

- Pfohl, Stephen (1994). *Images of Deviance and Social Control*, NY: McGraw-Hill, Inc.

- Quinn, Brian (2001). "The Medicalisation of online Behaviour", in *Online Information Review*, Vol.25, Iss.3, pp.173, 8 pgs.

- Sherman W. (2001). "Internet's Cons are Pros: Unwary Lose \$3 B a Year". *NewYork Daily News*, p.4.

- Schuen Lee Ai (No date). *Deviant Behaviour on the Internet, A Report from World Enterprise Institute*.

- Spencer, Metta (1994). *Foundations of Modern Sociology*, Scarborough: Prentice-Hall Canada Inc., fifth edition, pp.179-206.

- Sutherland, Edwin (1974). *Criminology*, NY: J.B. Lippincott Company.

- Tindel, Elizabeth (2001). *Pathological Internet Use in University Student*, Queensland University of Technology. Internet address: <http://www.qut.edu.au/talss/fye/papers02/TindlePaper.doc>.

- Williams III, Frank P. & Marilyn D. McShane, eds., (1998). *Criminology Theory: Selected Classic Readings*, 2nd ed., Cincinnati: Anderson Publishing, Ohio. [www.SID.ir](http://www.SID.ir)